



در حوزه‌های مختلف را نیز ادامه داد و به این منظور سفرهای متعددی به کشورهای مختلف داشت. تصحیح متون یکی از زمینه‌های مورد علاقه یوسفی بود که در این زمینه کارهای ماندگاری از او باقی مانده است.

در ابتدای جلسه، رئیس مرکز، اکبر ایرانی، طی سخنانی تکریم و تجلیل و بزرگداشت بزرگان علم و ادب را اقدامی مفید برای ماندگاری و اعتلای فرهنگ دانست و گفت: البته در کنار این اقدام، مطالعه آثار این اشخاص و استفاده و ارجاع به آثارشان نیز وسیله‌ای است که یاد و نام بزرگان علم را زنده نگه می‌دارد.

او همچنین وظیفه متولیان و مسئولان فرهنگی دانست که با اقداماتی نظیر تجدید چاپ این آثار و یا اقداماتی دیگر همچون ساختن تندیس و... به ماندگاری این اشخاص که هویت آیندگان ما به ایشان گره خورده است کمک کنند.

دکتر ایرانی در ادامه با تشکر از زحمات دکتر یاحقی، این ارج‌نامه را اثری مفید برای شناخت دیدگاه‌های دکتر یوسفی و روش تحقیق و پژوهش وی بر متون دانست و ضمن گرامیداشت یاد او، آرزو کرد دانشجویان نیز ادامه‌دهنده راه او باشند.

سپس دکتر یاحقی به معرفی ارج‌نامه پرداخت و فصول اصلی آن را که پیرو دستورالعمل ارج‌نامه‌ها گرد آمده، بر شمرد. این فصول عبارت‌اند از: سالشمار و زندگینامه غلامحسین یوسفی؛ تصحیحات وی که نه عنوان را در برمی‌گیرد؛ کارنامه علمی و آموزشی غلامحسین یوسفی، پژوهش و تأملها که مجموعه‌ای از مقالات اهداشده به این ارج‌نامه است؛ و در نهایت، نمایه اشخاص و مکانها و کتابها و نشریات.

دکتر یاحقی در ادامه از همسر استاد یوسفی، خانم

هفتاد و پنجمین نشست از سلسله نشستهای مرکز پژوهشی میراث مکتوب، عصر روز دوشنبه، سی‌ام آذرماه در محل مرکز برگزار شد. رونمایی از چهارمین دفتر از مجموعه ارج‌نامه‌های مرکز پژوهشی میراث مکتوب به ارج‌نامه استاد غلامحسین یوسفی اختصاص داشت که رونمایی از آن، با حضور خانواده این شخصیت ماندگار برگزار شد.

این ارج‌نامه به همت دکتر محمدجعفر یاحقی گردآوری شده و در آن زندگی، آثار و جستارهای متن پژوهشی یوسفی بررسی شده است.

غلامحسین یوسفی، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، دوم بهمن ۱۳۰۶ در مشهد متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به پایان برد و از سال ۱۳۲۵ برای تحصیل در دوره لیسانس زبان و ادبیات فارسی به تهران آمد.

او در سالهای ۱۳۲۸-۱۳۳۰ در دوره دکتری دانشگاه تهران تحصیل را ادامه داد و از سال ۱۳۲۹ رسماً کار خود را در اداره فرهنگ خراسان آغاز کرد و همزمان دوره لیسانس حقوق قضایی و سیاسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران را هم گذراند.

با تأسیس دانشکده ادبیات مشهد، از سال ۱۳۲۴ تدریس دروس تاریخ ادبیات را در این دانشکده آغاز کرد و تا مهر ۱۳۵۸ که به افتخار بازنشستگی نائل آمد در دانشگاه فردوسی مشهد در دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس و دکتری به تدریس اشتغال داشت.

یوسفی برای اعتلای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه مشهد کوشش فراوان کرد و تأسیس دوره‌های فوق لیسانس و دکتری در این دانشگاه پس از دانشگاه تهران موهون تلاشهای وی است. او همزمان تحقیق و پژوهش



صادقی همچنین تعلیقات و یادداشتهای یوسفی را بر آثار مصححش از جمله آثار ماندگار گلستان و بوستان ستود. در آخر، او ضمن پیشنهادی سخنان خود را پایان داد.

دکتر صادقی گفت: چاپ اثر علمی و تحقیقی به منظور استفاده محققان با چاپ اثری برای علاقه‌مندان و دانشجویان یک موضوع خاص، تفاوت دارد. با توجه به این دو رویکرد، به منظور کاهش قیمت کتاب، بهتر بود که اثری چون گلستان و بوستان به تصحیح غلامحسین

نیکو بازرگان، و دیگر اعضای خانواده ایشان تشکر کرد که در روند چاپ این اثر اطلاعات زیادی را از آرشیو خانوادگی در اختیار او قرار داده بودند.

سپس دختر استاد یوسفی ضمن سخنانی کوتاه، پس از تشکر از دکتر یاحقی و مرکز پژوهشی میراث مکتوب، گفت که عشق به فرهنگ را از پدر دارد هرچند همچون وی دستی در ادبیات ندارد.

در ادامه دیگر سخنران نشست، دکتر علی‌اشرف صادقی، ضمن بیان خاطراتی از یوسفی، این اثر را اثری



یوسفی به دو گونه چاپ می‌شد: یکی همراه با نسخه‌بدلها برای اهل فن و یکی به همراه معانی و توضیحات برای علاقه‌مندان.

در ادامه، آخرین سخنران نشست، دکتر سعید حمیدیان نیز به نقل خاطراتی از دکتر یوسفی پرداخت و وی را مظهر اخلاق و پاکی و صداقت دانست.

او زمینه‌آشنایی خود با یوسفی را برآمده از نگارش مقاله‌ای در تفاوت تصحیح یوسفی از بوستان با تصحیح علی‌اف دانست که به‌مراتب از تصحیح علی‌اف برتر است. در پایان، پس از پاسخگویی به سؤالات حاضران، ارج‌نامه غلامحسین یوسفی رونمایی شد.

جامع و گره‌گشا و تسهیل‌کننده برای شناخت افکار و آرا و آثار یوسفی دانست. او در ادامه گفت: به زعم من هر اثر پس از نگارش، دیگر متعلق به شخص نیست؛ بلکه متعلق به جامعه علمی و ادبی است که با نقد و بررسی آن بر کیفیت اثر بیفزایند.

سخنران، جای مقالاتی از این طیف را در مجموعه مقالات موجود در ارج‌نامه یوسفی، خالی دید و گفت: البته این کاستی تا حدی با وجود مصاحبه‌هایی از اشخاص مختلف در مورد استاد یوسفی جبران شده است.

او یوسفی را شخصیتی امین و کاملاً علمی دانست که همواره در کار پژوهش بر متون با ذکر نسخه‌بدلها و منابع به وظیفه اخلاقی خود نیز عمل کرده است.

### کتاب ساختار معنایی مثنوی معنوی

دهمین جلسه از سلسله نشستهای نقد و بررسی کتاب در دانشگاه فردوسی که به همت گروه زبان و ادبیات فارسی و قطب علمی فردوسی‌شناسی و ادبیات خراسان آن دانشگاه برگزار می‌شود، به بررسی کتاب ساختار معنایی مثنوی معنوی اثر دکتر سید سلمان صفوی اختصاص داشت. در این نشست که در روز چهارشنبه چهارم آذرماه ۱۳۸۸ در تالار رجایی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی و با همکاری مرکز پژوهشی میراث مکتوب برگزار شد، افزون بر نویسنده، دکتر محمدرضا راشد محصل و دکتر امید همدانی به ایراد سخنرانی پرداختند و نظرات و دیدگاههای خود را درباره کتاب مطرح کردند.



در آغاز نشست، دکتر محمدجعفر یاحقی، مدیر قطب علمی فردوسی‌شناسی، حضور دکتر صفوی و همسر ایشان، خانم دکتر مهوش السادات علوی را در مشهد و دانشگاه فردوسی خیرمقدم گفت و به طور خلاصه زمینه‌های تحقیق و پژوهش و گوشه‌ای از فعالیت‌های آنان را انگلستان تشریح کرد. سپس سلمان ساکت، دبیر نشستهای نقد و بررسی کتاب، به معرفی اجمالی اثر و ایده اصلی نویسنده پرداخت. او توضیح داد که این کتاب در اصل پایان‌نامه دکتری نویسنده بوده است که پس از چاپ، توسط همسر ایشان به زبان فارسی ترجمه و در زمره آثار متن‌شناسی مرکز پژوهشی میراث مکتوب به چاپ رسیده است. او در

ادامه با طرح ادعای اصلی نویسنده که وجود ساختاری منسجم و نظام‌مند در دفاتر شش‌گانه مثنوی است، سابقه این نظریه را بیان کرد و گفت: حجم زیاد، ابیات فراوان و پراکندگی داستانها و حکایت‌های دفاتر مثنوی تقریباً همه مولوی‌شناسان و مثنوی‌پژوهان را بر آن داشته است که این اثر ارزنده را فاقد ساختاری منسجم ارزیابی کنند و بر این عقیده پای فشارند که توالی ابیات و حکایات و پراکندگی و از این شاخه به آن شاخه پریدنهای مولوی نتیجه تخیل فعال او یا نوعی الهام و واردات قلبی است و به هیچ روی مولوی از پیش طرحی برنامه‌ریزی شده و دقیق را مدنظر نداشته است.

ساکت البته به این نکته اشاره کرد که در میان همه محققان نیکلسون و علامه همایی گذرا احتمال وجود ساختاری کلی و فراگیر را در دفاتر مثنوی حدس زده‌اند. او گفت: دکتر صفوی در این کتاب این نظریه را در دفتر اول مثنوی بررسی کرده و بر اساس دو اصل پاراللیسم (parallelism) و انعکاس متقاطع (chiasmus) به ساختار کلی دفتر اول که همانا تشریح نفس انسان است، دست یافته است.

پس از این معرفی، دکتر سید سلمان صفوی خود به تشریح نظریه مطرح شده در کتاب و معرفی متدولوژی به کار گرفته شده، پرداخت. او مهم‌ترین ویژگی پژوهش خود را بهره‌گیری از نگاه و رویکرد فلسفی دانست و گفت: در تألیف این کتاب از سه نظریه ساختارگرایی، هرمنوتیک و سیمنتیک (نشانه‌شناسی) استفاده کرده‌ام. او بلافاصله توضیح داد: ساختارگرایی و هرمنوتیک در عرصه نظری ضد هم‌اند، اما من در این پژوهش از هر دوی آنها بهره گرفته‌ام.

صفوی در ادامه با بیان تاریخچه‌ای از ایده اصلی خود و پیشگامی کسانی همچون استاد هادی حائری گفت: از سویی جامی مثنوی را قرآن پارسی نامیده است و از سوی دیگر از نظر ما قرآن دارای سیستمی مشخص و ساختاری منظم است. بنابراین مولانا که مثنوی را بر اساس قرآن سروده است، چگونه می‌تواند اثر خود را بدون نظام مشخص و ساختار منسجم پدید آورده باشد؟

دکتر صفوی نگاه رایج به مثنوی را که در شرح‌های گوناگون آن بروز یافته، مبتنی بر بیت دانست و گفت: این رویکرد هرچند مفید است، اما ناکافی است و برای بررسی





مثنوی علاوه بر آن باید از رویکرد کل‌نگر (synoptic) نیز استفاده کرد. او سپس با تشریح روش پیشنهادی خود که تمرکز بر دو سطح پاراگراف (قطعات پیوسته موضوعی درون بخشها) و گفتمان (دسته‌بندی بخشها) است، ساختار دفتر اول را شامل دوازده گفتمان دانست که با هبوط روح و درگیری آن با نفس آغاز می‌شود و به داستان حضرت علی (ع) که صاحب نفس مطمئنه است، پایان می‌یابد.

پس از سخنان نویسنده، دکتر محمدرضا راشد محصل به بیان دیدگاههای خود پرداخت. او پس از تمجید از نگاه نو و جدید دکتر صفوی، گفت: اگر این روش ابتکار خود ایشان هم نباشد، کاری بسیار دقیق و هنرمندانه است. او در ادامه با بیان اهمیت و ضرورت استفاده از این روش در تحلیل دیگر منظومه‌های ادب فارسی، افزود: ممکن است این بررسیها درباره دیگر آثار به نتیجه نرسد که دو دلیل می‌تواند داشته باشد: ۱. دیگر شاعران مانند مولوی چنین طرحی را در ذهن و کار خود نداشته‌اند. ۲. بسیاری از متنها هنوز به صورت منقح و انتقادی تصحیح نشده‌اند و بنابراین نمی‌توان این شیوه و روش را درباره آنها به کار گرفت.

سپس دکتر راشد محصل انتقادات خود را نسبت به کتاب در قالب پرسشهایی مطرح کرد: معیار ارتباط پاراللها چیست؟ آیا فقط معیار مهندسی مدنظر بوده یا از معیارهای دیگری نیز بهره گرفته‌اید؟ معیار انتخاب بخشها یا گفتمانها و پاراگرافها چه بوده است و اگر معیار مشخص و ویژه‌ای نداشته‌اید پس باید پذیرفت که هر کس می‌تواند برداشتهای متفاوتی را بیان کند.

پس از سخنان دکتر راشد محصل، دکتر امید همدانی نظرات و دیدگاههای خود را درباره کتاب بیان کرد. وی با انتقاد از گزینش واژه گفتمان (discourse) گفت: این واژه در سنت فلسفی بار معنایی خاصی دارد و به‌ویژه با توجه به نظرات فوکو و طرفدارانش به کاربران آن در چنین معنایی هیچ توجیهی ندارد و بهتر بود نویسنده و مترجم معادل دیگری برای آن برمی‌گزیدند.

دکتر همدانی در ادامه نقدهای خود را در سردسته زیر تقسیم‌بندی کرد: ۱. اشکالاتی که هیچ ربطی به

نظریه نویسنده و اثبات یا ابطال آن ندارند. ۲. نکاتی که اگرچه مهم و بنیادین هستند و به نظریه‌های نویسنده بازمی‌گردند، اما ناقض فرضیه ایشان نیستند. ۳. نقدهایی که ناظر به فرضیه‌های محوری مؤلف است و اگر سخنان من درست باشد، باید فرضیه‌های دکتر صفوی را با دیده شک و تردید نگریست.

او که بررسی خود را به متن اصلی کتاب معطوف داشته بود، در بخش اول انتقاد نویسنده از کاربرد واژه text درباره مثنوی، معنای بیان شده درباره هرمنوتیک پیشامدرن، کاربرد محدود واژه intertextuality و انتقاد مؤلف از ساختارگرایان را به نقد کشید و برای هر مورد توضیحاتی مبسوط و مفصل ارائه داد.

دکتر همدانی انتقادات مربوط به بخش دوم را با پیشنهاد کاربرد اصطلاح «طرد و عکس ساختاری» به جای «انعکاس متقاطع» آغاز کرد و تکیه نویسنده در انعکاس متقاطع را در تناظر آغاز و پایان داستان امری ناموجه ارزیابی نمود چرا که در مورد هر داستانی صادق است. او تأکید و استفاده نویسنده از تکرار کلمه «غذا» در بخش اول و نهم را نامربوط دانست چرا که به تعبیر وی غذا کلمه کلیدی و محوری نیست.

دکتر همدانی سپس به بیان انتقادات بخش سوم پرداخت و گفت: اینکه نویسنده ساختار کلان دفتر اول را مبتنی بر تکامل نفس از اماره به مطمئنه می‌داند نوعی تقلیل (reduction) مفهومی است یعنی نویسنده آن همه مفاهیم عرفانی و کلامی مطرح شده در دفتر اول را فروکاسته و همه را در نفس خلاصه کرده است حال آنکه این تقلیل مفهومی نوعی نگاه صرفاً دینی است و فرا افکندن طرحی را پیشنهاد می‌کند که از پیچیدگیهای فراوان مثنوی به کلی غفلت می‌ورزد.

پس از طرح دیدگاههای منتقدان، دکتر صفوی ضمن تقدیر و تشکر از توجه آنان، برخی از انتقادهایشان را پاسخ گفت. گفتنی است که در این نشست با همکاری مرکز پژوهشی میراث مکتوب تعدادی از کتاب ساختار معنایی مثنوی با تخفیف ویژه عرضه شده بود که مورد استقبال استادان و دانشجویان قرار گرفت.

سهیلا یوسفی و سلمان ساکت